

اپوزیسیون واقعی ایرانی يك اندیشه و يك جنبش است که بر پایه خرد استوار است، ساختار حرکتی آن خشم و نفرت از حکومت اسلامی میباشد، و هدف آن براندازی رژیم کنونی و استقرار دموکراسی و مردم سالاری و همچنین ایجاد رفاه اجتماعی و سربلندی و شکوفایی ایران است

نگاهی به آینده سیاسی ایران

دکتر آرمان نوری بنیانگذار سازمان پارس و هماهنگ کننده شورای براندازی در يك کنفرانس مطبوعاتی مسائل جاری کشور و تحولات داخلی و همچنین جنبش های میهنی و مردمی را در يك کنفرانس مطبوعاتی در روز 22 بهمن در پاریس تحت عنوان «نگاهی به آینده سیاسی ایران» برای خبرنگاران تشریح کرد

در شرایط فعلی، خاورمیانه بیش از هر زمان دیگر دچار دگرگونی ها و تنش های سیاسی شده است. اسرائیل در راه از بین بردن موجودیت تروریسم است و در این راه مردم بیگناه نیز قربانی می شوند

ایران و عراق بعنوان دو کشور در راه رسیدن به سلاحهای گشتار دسته جمعی گام برمی دارند و مورد تهدید آمریکا قرار گرفته اند

ترکیه با اقتصادی بسیار سخت و شکننده سر و کار دارد، اردن و سوریه بلحاظ ضعف مدیریت سیاسی پس از درگذشت ملك حسین و حافظ اسد، عملاً از بازیهای سیاسی منطقه برکنار هستند. کشورهای عربی جنوب خلیج فارس با داشتن حکومتها غیرمردمی و در نبود دموکراسی چون آتش زیر خاکستر و همواره آماده انفجار میباشند، پاکستان و افغانستان با اینکه از نظر تعریف جغرافیایی جزو کشورهای خاورمیانه نیستند ولی بلحاظ همسایگی، سخت بر رویدادهای این ناحیه تأثیرگذار هستند. پاکستان با هندوستان درگیریهایی ویژه دارد، مسئله کشمیر که مشکلی است مربوط به آغاز جدایی دو کشور و همواره در معرض بالا گرفتن آتش اختلافات بین دو کشور نقش اصلی را داشته است.

از مسئله قفقاز و ارمنستان میگذریم و تنها اشاره داریم به اینکه نفت ناحیه دریای خزر در برهم زدن کل نظام انرژی جهانی نقش غیرقابل انکار دارد.

کارشناسان سیاسی بر این عقیده هستند که حرکت آمریکا در افغانستان به این خاطر بوده که در آنجا ثبات سیاسی برقرار کند تا خط لوله نفت این ناحیه را از آنجا عبور دهد و اگر روند روابط سیاسی فعلی آمریکا با کشورهای نفتخیز این

ناحیه بهمین ترتیب باقی بماند و یا تحکیم شده و رو به بهبود بگذارد سرانجام آمریکا به یکی از تصمیمگیران جهانی انرژی تبدیل میشود. آنچه دیپلماسی آمریکا در پی آنست داشتن نقش نخستین در اداره امور جهان میباشد، به این ترتیب حضور آمریکا در منطقه لازم بنظر میرسد، و آمریکا در مسئله اسرائیل دست این کشور را باز گذاشته و هیچ گونه دخالتی در رفع منازعه دو کشور اسرائیل و فلسطین نمیکند، هدف اسرائیل هم محو فلسطین از نقشه جغرافیای جهانی است که معلوم نیست تا چه حد موفق شود و آیا روزی کشورهایی عرب و مسلمان منطقه با حضور در این پیکار نتیجه آنرا دگرگون خواهند کرد یا نه؟ در حال حاضر جهان آزاد به آن چه در اسرائیل میگذرد کمترین اعتنایی ندارد و حضور اروپا در منطقه چشمگیر نیست و سیاستمداران اروپایی از سیاست جهان دور افتادهاند و روز بروز قدرت سیاسی و اقتصادی خود را در جهان از دست میدهند

از نظر اروپائیان خاورمیانه مجموعه کشورهای دارای نفت هستند که قدرت خرید کالاهای ساخته شده آنها را با پترودولار دارند

اروپا و ژاپن سالهای متمادی است که از این سفره گسترده بهره‌مند شده‌اند، اما آنچه مربوط میشود به اکتشاف و استخراج نفت که چند سال پیش شرکت «کومکو» آمریکایی در نظر داشت با ایران همکاری کند که با اخطار کلینتون که ایران در تحریم اقتصادی است این عمل صورت نگرفت و «توتال الف» به ایران آمد و هم اکنون این شرکت با ایران اختلاف دارد و قرارداد آنها در خطر ابطال و فسخ قرار گرفته است

اما در باره آینده ایران، به دلایلی که گفتیم نه آمریکا بلحاظ داشتن دیپلماسی سلطه‌گر و نه اروپا بلحاظ دیپلماسی خنثی نمیتوانند برای ما مفید و آینده ساز باشند

ایران کنونی نزدیک به 70 میلیون جمعیت دارد که 75% آن زیر 25 ساله هستند. ایران از نظر جوان گرائی جمعیت در جهان یگانه است و این انبوه جمعیت با فاصله زمانی رسیدن به بازار کار بجای اینکه مولد و سازنده باشند، مصرف کننده و سربار تولید ملی است

اقتصاد ایران فاقد یک برنامه توسعه اقتصادی منسجم است و در شرایط فعلی قادر نیست عوامل تولید را بمنظور بیشترین بهره‌وری با یکدیگر ترکیب کند در

حالی که خود دارای چندین میلیون جوان بیکار میباشد که اکثریت آنها دارای مدارك دانشگاهي هستند

با این ترتیب و اینکه هیچگونه انگیزه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای توسعه های اقتصادی در کشور نیست، آینده اجتماعی و اقتصادی این انبوه نوریسیدگان بسیار اسفناک و دردآور است

زنان ایران که نصف جمعیت جامعه و قهراً نیمی از جمعیت فعال را تشکیل میدهند عملاً بر اثر اجرای قوانین دست و پاگیر و قرون وسطائی اسلامی اکثراً از اولیهترین حقوق محروم هستند، ضریب نرخ رشد فحشاء بحدی در حال افزایش است که بنظر میرسد هیچ قدرتی باوجود این حکومت توان مهارکردن آن را ندارد

آموزش و پرورش در پستترین اشکال خود در جریان است حتی در آموزش ابتدائی تنها فرزندان ثروتمندان امکان بهره‌مندی از آنرا دارند و به اصطلاح به مدارس گران شهریه (غیرانتفاعی) راه یافته‌اند، هنگامی که خط فقر به اعتبار تعریف سازمان ملل یکصد و پنجاه هزار تومان در ماه است و يك آموزگار تنها پنجاه هزار تومان حقوق دارد چگونه میتوان انتضار داشت که او در کلاس بماند

اکنون ناظر آن هستیم که اکثریت آنها در تهران و شهرستانها به خیابانها ریخته و با تظاهرات تند و بنیان برافکن خود رو در روی نظام و مظهر پلید آن ولی فقیه ایستاده‌اند. اینها شعار سیاسی ندارند، بلکه میگویند «ما گرسنه هستیم» و حکومت هم قادر به سیر کردن آنها نیست. چرا؟ چون کشور ما رژیمي دارد که به يك پاسدار 600.000 تومان در ماه حقوق میدهد (دوازده برابر يك آموزگار) برای سرکوب مردم ایران و ایجاد اختناق و آدمکشی

کودکان ایرانی در پستترین شرایط حیاتی هستند. تنها در تهران 25.000 کودک خیابانی داریم که همواره در مخاطره دلخراشترین و کثیفترین تجاوزات جنسی و مالی و فروش «اعضای بدن» قرار میگیرند

دولت و مجلس جز ابزار نمایشی دارای هیچگونه قدرتی نیستند، دادگستری و قوای خشن انتظامی، يك کشور غیردموکراتیک با رهبری همه خواه را اداره میکنند. گذشته از روزنامهنگاران اینك جمعی از وکلای مجلس را که از تریبون مجلس در باره فساد و تباهی عظیمی که گریبانگیر کشور شده افشاگری نموده‌اند، با کمال بیشرمی و وقاحت به زندان میاندازند

رشوه خواري در ايران بصورت يك «صفت ملي» درآمده، در همين حال كه من با شما صحبت ميكنم محاكمه يك جوان 29 ساله در ايران در جريان است كه از خرده فروشي كنار خيابانهاي اهواز در هنگام تحصيل به ميلياردها دلار دسترسي يافته است و سهم قابل توجهي از آنرا به رئيس مجلس و برخي وكلاي مجلس كه اكثرأ از اصلاح طلبان هستند رشوه داده است.

جنبش اصلاح طلبي با بي آبرويي و خجالت عقبنشيني کرده است و آشكار شده است كه خاتمي نيز جز يك فرد دروغگو، شياد و بيلياقت چيز ديگري نيست حال ميبينيم كه همه اين گروه دزد و رشوهخوار هم بودهاند. البته نبايد فراموش كرد كه فساد از رأس هرم يعني خامنهاي شروع ميشود و تا پائين همگير شده است.

تصور روشني كه از کشورمان داريم، اقتصادي فقرزا، سياسي منزوي و پرتنش، فساد روز افزون، بيكاري، تورم، فحشا و گرسنگي بدون آزاديهاي اجتماعي و سياسي، جامعه ما را فرا گرفته، تا آنجا كه پايههاي اصلي حكومت به لرزه درآمده است و خود در حال فروپاشي است.

شوراي براندازي با همت سازمان پارس با استراتژي براندازي به ميدان آمد و بسياري تاكتيكهاي مؤثر تا امروز انجام داده است. اكنون شيوه براندازي در اتحاد اپوزيسيون داخلي و خارجي است بمنظور تسريع و واقعييت بخشيدن هرچه زودتر بر اين فروپاشي تا براندازي كامل حكومت اسلامي ايران